

جغرافیای سیاسی جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری آذربایجان

عارف بیژن*^۱، سعیده نقاش^۲

۱- کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه علامه طباطبایی

۲- کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه علامه طباطبایی

Chakavak1340@gmail.com

چکیده

از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرایند تحقیق، بر نظامی منطقی و در روند تحلیل بر بهره گیری از واقعیت های موجود استوار می باشد. امروزه هر کشور در سیاست های جهانی تحت تاثیر عوامل ژئوپلیتیکی است و جغرافیدانان سیاسی معتقدند که قدرت هر کشور به شدت از محیط جغرافیایی آن تاثیر می پذیرد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان و منطقه تغییر کرد و به عنوان یکی از بی ثبات ترین مناطق به جای مانده از امپراطوری شوروی با خلا قدرت مواجه گردید. کشور آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ای برخوردار است که هم نقش مثبت و هم منفی برای آن کشور و همسایگان و منافع ملی خود دارد. سوال تحقیق این است که جغرافیای سیاسی جمهوری آذربایجان چه تاثیری بر منافع ملی این کشور دارد؟ فرضیه را می توان این طور بیان کرد که از یک سو ایالات متحده امریکا به بهانه های مبارزه با تروریسم به همراه اتحادیه اروپا و ناتو در کنار ترکیه، بازیگران فرا منطقه ای در منطقه می باشند و در صحنه جمهوری آذربایجان حضور فعال دارند، از سوی دیگر هم جمهوری آذربایجان به دلیل جهت گیری غرب گرایانه، ادغام در ساختارها یورو آتلانتیکی، یافتن راه حلی برای غلبه بر بحران قره باغ، تامین منافع ملی و مشکلات داخلی خود را در خارج از منطقه جستجو می کند. روش تحقیق هم به صورت توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، منافع ملی، موقعیت جغرافیایی، بحران قره باغ، قدرت های فرا منطقه ای

۱- مقدمه

۱-۱- تاملی در مفهوم ژئوپلیتیک

دکتر دره میر حیدر جدید ترین تعریفی که از ژئوپلیتیک ارائه کرده است بدین شرح است: «ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم گیری های سیاسی در سطح ملی و منطقه ای است» (میر حیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). دکتر پیروز مجتهد زاده در مورد ژئوپلیتیک معتقد است: «ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم گیری های سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی مطالعه می کند» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

در جای دیگر دکتر مجتهد زاده معتقد است: «جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دو مبحث علمی مکمل از یک موضوع علمی است و به مطالعه نقش آفرینی قدرت سیاسی در محیط جغرافیایی می پردازد» (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ص ۲۳). امین سزگین ژئوپلیتیک را این چنین تعریف می کند: «ژئوپلیتیک یعنی علم و هنر تعیین، تثبیت و جهت دهی سیاست ملی با در نظر گرفتن سرزمین یک کشور به همراه تاریخ ملی آن، شعور ملی شهروندان، قدرت ملی کشور، وضعیت سیاسی دنیا و ارتباطات» (Karabulut, 2005: 31).

ژنرال فرانسوی، پیرگالوا، نویسنده اثری با عنوان ژئوپلیتیک راههای رسیدن به قدرت، منتشر در سال ۱۹۹۰، ژئوپلیتیک را چنین تعریف می کند: «ژئوپلیتیک یعنی مطالعه نحوه ارتباط بین هدایت سیاسی یک قدرت با برد بین المللی و چهارچوب جغرافیایی عملکرد آن.» (عزتی، ۱۳۷۹: ۵). اسپایکمن نیز از ژئوپلیتیک تعریفی اینچنین ارائه می کند: «ژئوپلیتیک یعنی برنامه ریزی برای سیاست های امنیتی یک کشور با توجه

به پدیده های جغرافیایی (Karabulut, 2005: 28). کالین. اس. گری «ژئوپلیتیک را ارزیابی و تطبیق فضایی روابط بین الملل تعریف می کند». هاگ. فرینجن نیز از ژئوپلیتیک تعریفی اینچنین دارد «ژئوپلیتیک به عنوان یک دانش، تأثیر جغرافیا را بر شخصیت سیاسی کشور، تاریخ آن، موسسات و بویژه روابط آن را با دیگر کشورها مورد بررسی قرار می دهد» (Karabulut, 2005: 29).

سوات ایلهان نیز در مورد ژئوپلیتیک معتقد است: «ژئوپلیتیک رابطه میان قدرت (کنونی و آینده) و هدف را - در میدان سیاست - بر مبنای جغرافیای طبیعی و سیاسی بررسی می کند. ژئوپلیتیک جهت دهی تمامی عناصر قدرتی را بر اساس پهنه و داده های جغرافیایی بر روی سیاست آشکار می کند. ژئوپلیتیک یعنی پویایی جغرافیا به واسطه تمامی عناصر آن و نتیجه بخشی همه این عناصر وقتی که به آنها ارزش می دهیم. ژئوپلیتیک کانون قدرت جهانی و منطقه ای را بر روی جغرافیای طبیعی و به عبارتی بر روی پهنه جغرافیا به صورت متقابل مورد ارزیابی قرار می دهد و در میدان سیاست، رابطه میان قدرت و هدف را برقرار می کند. و زمینه سیاست امنیتی و ترقی یک دولت، گروهی از دولت ها و یا یک منطقه را تشکیل می دهد.» (ILHAN, 2002: 319-318).

در سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک که از نظر لغوی به معنای سیاست زمین است، نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می شود. بدون تردید یکی از متغیرهای موثر در شکل گیری خط مشی سیاست خارجی، مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور محیط منطقه ای و ابعاد مختلف آن می باشد. اگر چه امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم گیری سیاسی است، اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت اقدام دولت ها تعریف می شود و اغراق نیست اگر گفته شود جوهر ژئوپلیتیک را قدرت و توان ملی تشکیل می دهد. به این معنا که موضوع ژئوپلیتیک رابطه میان عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر با سیاست دولت ها در پرتو قدرت بالقوه و بالفعل است. کشورها سعی می کنند از طریق تحلیل ظرفیت قدرت و بررسی عوامل ژئوپلیتیکی زمینه دستیابی به قدرت بیشتر را به منظور پشتیبانی لازم از منافع و امنیت ملی خود را فراهم نمایند. بنابراین عوامل ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر عواملی هستند که از ماهیت جغرافیای سیاسی برخوردار بوده و ویژگی های جغرافیای سیاسی تأثیر گذار بر رفتار سیاسی، استراتژی ها، منافع و اهداف ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت کشورها است. به نحوی که چشم پوشی از آنها ممکن است امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت یک کشور را به خطر اندازد. از طرفی اگر تامین منافع و اهداف ملی و در نهایت حفظ تمامیت ارضی یک کشور، محور اصلی و اساسی سیاست گذاری های داخلی و خارجی حکومت آن است، پس بایستی مبتنی بر استراتژی ژئوپلیتیکی باشد تا در عرصه بین المللی و نظام جهانی به خواسته مطلوب خود برسد (صیدی، ۱۳۸۸، ص ۷۲).

۱-۲- تحلیل ژئوپلیتیکی

برای انجام یک تحلیل ژئوپلیتیکی روش های گوناگونی مطرح شده است. ایولاسکت در روش تحلیل ژئوپلیتیکی معتقد است: " محقق باید از نوع پیش داوری نسبت به منطقه مورد مطالعه پرهیز کند، بلکه از طریق آشنایی نزدیک با منطقه نسبت به شناخت ریشه بحران ها اقدام نماید". البته او بر ادعای تاریخی و هم چنین ضرورت شناخت اندیشه های ژئوپلیتیکی افراد و نهاد های تأثیر گذار بر مردم تأکید داشته و معتقد است، نحوه القائات تفکرات ژئوپلیتیکی بر مردم از سوی این نهاد ها یک اثر اساسی بر مناطق خیز دارد. از سوی دیگر عوامل موثر ژئوپلیتیکی را به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم کرده و معتقد است، عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده های طبیعی و جغرافیایی است که موقعیت جغرافیایی در میان آن ها نقش کلیدی دارد. عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها منشا طبیعی داشته باشند، به دلیل نقش کمیته که دارند متغیر محسوب می شوند و عامل انسانی در بین آنها نقش کلیدی دارد (مهری، فیروزکوهی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

بنابراین عوامل ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر، عواملی هستند که از ماهیت جغرافیای سیاسی برخوردار بوده و ویژگی های جغرافیایی سیاسی بر رفتار سیاسی، راهبردها، منافع و اهداف ملی و امنیت ملی تأثیر گذار است، به شکلی که چشم پوشی از آنها ممکن است موجودیت یک کشور را به خطر اندازد. از طرف دیگر، اگر تامین منافع و اهداف ملی یک کشور، محور اصلی و اساسی سیاست گذاری داخلی و خارجی حکومت آن است، پس بایستی مبتنی بر راهبرد ژئوپلیتیکی باشد تا در عرصه بین المللی و نظام جهانی به خواسته مطلوب خود برسد (قدسی، ۱۳۹۱، ص ۲).

۲- جغرافیای سیاسی

۱-۱- موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ای برخوردار است که هم نقش مثبت و هم نقش منفی برای آن کشور و همسایگان خود دارد. این عوامل بر امنیت ملی، سیاست خارجی، سیاست داخلی، توسعه ملی و روابط آن با کشورهای همسایه تأثیر می گذارد. (حافظ نیا، ۱۳۷۶).

قفقاز از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارای موقعیت چهار راهی و گذرگاهی است. بنابراین آمد و شد انرژی و نیرو و کالا و مسافر در آن صورت می‌گیرد و به آن نقش می‌دهد. اما پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، این منطقه به تصرف روس‌ها درآمد و به منطقه‌ای بسته تبدیل شد. (وزارت خارجه، ص ۲۶). جمهوری آذربایجان در مقایسه با سایر جمهوری‌های شوروی به جهت منابع وسیع نفت از موقعیت ممتازی برخوردار است اهمیت ژئوپلیتیک این در راستای تجارت نفت در منطقه و موقعیت جغرافیایی این کشور امکان توسعه تجارت با کشورهای همجوار و منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. همجواری آذربایجان با کشورهای ایران، روسیه، اکراین و ترکیه برقراری روابط اقتصادی تجاری از راه خشکی به ویژه با بهره‌گیری از خطوط لوله انتقال نفت و گاز موجود و یا توسعه آن را تشویق می‌کند. (عزیزی، ص ۶).

۲-۲- اهمیت استراتژیک جمهوری آذربایجان

مهم‌ترین بخش استراتژیک جغرافیای آذربایجان شبه جزیره آشوران است. این شبه جزیره به طول ۶۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر، در شرق جمهوری در ساحل غربی خزر و مشرف بر دریا و در مرکز آن قرار دارد. این پیشروی خشکی نقش نظامی مهمی در کنترل پهنه دریا دارد و همانند شبه جزیره سیسیل برای پیمان ناتو در دریای مدیترانه است. ایجاد پایگاه نظامی در این شبه جزیره می‌تواند توازن قوای منطقه را برهم بزند و به نظامی شدن دریای خزر منجر شود. استقرار پایگاه نظامی آمریکا یا ناتو در این شبه جزیره، ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را تحت نظارت خواهد داشت. حدود ۳۰ درصد جمعیت جمهوری در این شبه جزیره استقرار دارد. از پرتراکم‌ترین نواحی جمعیتی جمهوری است. در دوره جنگ سرد این منطقه مرکز استقرار لشکر جنوبی اتحاد شوروی برای عملیات جنوب در این شبه جزیره مستقر بود. (وزارت خارجه، ص ۲۸). جمهوری آذربایجان کشور محصور است که به رغم دارا بودن خط ساحلی در دریای خزر، از دسترسی به دریای آزاد محروم است، بهترین راه ترانزیت این به اقیانوس از طریق جمهوری اسلامی ایران میسر می‌باشد در این رابطه جمهوری آذربایجان خود کشور ترانزیتی برای جمهوری‌های گرجستان و فدراتیو روسیه جهت عبور از ایران و رسیدن به اقیانوس هند و خلیج فارس محسوب می‌شود.

از طرفی دیگر موقعیت این جمهوری نسبت به همسایگان غربی‌اش وضعیت برتری است. جمهوری گرجستان و ارمنستان و حتی ترکیه می‌توانند از طریق این جمهوری و عبور از دریای خزر راه مناسبی جهت دسترسی و ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، و ترکمنستان در ساحل شرقی دریای خزر در اختیار داشته باشند. (عزیزی، ص ۶-۷).

حضور روسیه در قفقاز برای تامین امنیت و رفع نگرانی‌های خود است زیرا همسایه بلا فصل قفقاز است. بنابراین هر نوع تحرک در مرزهای جنوبی روسیه در قفقاز جنوبی موجب احساس نگرانی روسیه می‌شود. در عین حال حضور نیروهای فرا منطقه‌ای به ویژه نیروهای آمریکا و یا پیمان ناتو، سبب احساس تهدید روسیه خواهد شد. آمریکا با حضور در جمهوری آذربایجان و منطقه دریای خزر تنها به دنبال نفت نیست. خزر قلب اوراسیاست و اوراسیا قلب هارتلند. هارتلند در آغاز قرن بیستم مطرح شد و در آغاز دوره جنگ سرد به اوج رسید و به دنبال آن برای جلوگیری از توسعه قلمرو غول کمونیسم آن را با طرح دربرگیری مهار زدند. (وزارت خارجه، ص ۳۰).

جمهوری آذربایجان بر خلاف همسایه غربی خود ارمنستان از نظر منابع انرژی به ویژه نفت خام بسیار غنی است و به عنوان یک عرضه‌کننده مهم تجهیز است و وسایل حمل و نقل صنعت نفت قلمداد می‌گردد. ۷۲ تولید نفت آذربایجان که حدود ۲۴۴ هزار بشکه نفت در روز می‌شود از فلات قاره دریای خزر تامین می‌گردد. نفت خام حوزه‌های آذربایجان به علت سبک بودن، در صد ناچیز سولفور و حجم زیاد بازدهی بنزین، حائز اهمیت فراوان است.

به طور خلاصه جمهوری آذربایجان به دلایلی از موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای در منطقه برخوردار است:

داشتن ساحلی به طول ۸۰۰ کیلومتر با دریای خزر.

وجود یکی از بزرگترین و با اهمیت‌ترین بنادر دریای خزر یعنی بندر باکو در این کشور.

داشتن راهی نسبتاً هموار که در مسیر روسیه به خلیج فارس و نیز ایران به اروپای شرقی قرار گرفته است.

برخورداری از منابع غنی نفتی. (عزیزی، ص ۸).

۳- ایستگاه رادار قبله

قبله در منطقه ای مرتفع و کوهستانی با دره های عمیق در نزدیکی رود های قاراچای، گوچالاق چای واقع شده و به جهت وجود باقی مانده بارو های شهر خرابه (چوخور قبله)، که قدمت آن به قرن ۴ پیش از میلاد می رسد مشهور شده است. ساخت ایستگاه رادار قبله در سال ۱۹۷۸ آغاز و در سال ۱۹۸۴ به پایان رسید و در ۱۹۸۸ به بهره برداری رسید. این ایستگاه ۲۱۰ هکتار مساحت دارد. بر اساس فرمان مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ رئیس جمهور آذربایجان کلیه تجهیزات و تاسیسات نظامی شوروی در قلمرو جمهوری آذربایجان جزو دارایی های جمهوری آذربایجان محسوب می شود. در سپتامبر ۱۹۹۹ دفتر ریاست جمهوری کلینتون به مسکو پیشنهاد کرد که روسیه را در تکمیل رادار اصلی کمک رساند و در سیستم هشدار دهنده اطلاعات زودرس امریکا سهیم سازد، به شرطی آنکه روسیه با مذاکرات مجدد پیمان ضد موشک بالستیک موافقت کند به طوری که ایالات متحده بتواند یک سیستم موشکی دفاع ملی را ایجاد کند. ایستگاه رادار قبله شبیه رادار پچورا در روسیه است که امکانات آن اجازه می دهد هر جسم بزرگتر از توپ فوتبال را در فضا ردیابی کند. این ایستگاه از ۲۰ سال گذشته تاکنون فعال است و در نوع خود در جهان بدون رقیب است. (وزارت خارجه، ص ۳۳).

۴- محدودیت های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

مشکلات استراتژیک و عمده جمهوری آذربایجان را که در امنیت و منافع ملی آن موثر است به شرح زیر است:

۱) دو تکه بودن کشور، بدون پیوستگی جغرافیایی و نبود امکان برقراری ارتباط مستقیم با یکدیگر. جدا بودن جمهوری خود مختار نخجوان از خاک اصلی آذربایجان با مساحت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰۰ هزار نفر ف به عنوان بخش بروننگان جمهوری آذربایجان مشکلات زیادی را برای این کشور فراهم آورده است. به همین جهت بخش غربی کشور به صورت جمهوری خودمختار اداره می شود. (وزارت خارجه، ص ۳۷). برقراری بین دو بخش کشور، در دوره اتحاد جماهیر شوروی با استفاده از راه های ارتباطی با گذر از منطقه قره باغ و دالان لاجین یا از راه های ارتباطی در امتداد دره رود ارس از عرض کشور ارمنستان صورت می گرفت. پس از فروپاشی شوروی و جنگ قره باغ این راه های ارتباطی قطع و جمهوری خودمختار نخجوان در انزوا قرار گرفت. از آن زمان به بعد جمهوری آذربایجان با استفاده از قلمرو ایران با نخجوان ارتباط برقرار می کند. (صیدی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

۲) اشغال سرزمینی. بخش بزرگی از غرب جمهوری آذربایجان منطقه ای استراتژیک کوهستانی مکمل جغرافیایی ارمنستان به نام استان خودمختار قره باغ کوهستانی معروف به ناگورنو قره باغ و ۷ استان پیرامونی آن در خاک جمهوری آذربایجان در دست ارمنه قره باغ و در اشغال آنان است که حدود ۲۰٪ مساحت جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهد. (وزارت خارجه، ص ۳۷-۳۸).

۳) شکل نامتناسب کشور. آذربایجان دارای شکل نامتناسبی است. این امر با توجه به ویژگی های کشور دو مشکل اساسی را پیش روی امنیت ملی آن قرار می دهد. مشکل اول، توپوگرافی کشور و وجود مرزهای دریایی و خشکی و رودخانه ها مجموعاً ترکیب نامتناسبی از حیث جغرافیایی نظامی را بر کشور تحمیل کرده است. این کشور کوچک مجبور است در تمام عرصه های مزبور نیروهای دفاعی و نظامی خاصی را تدارک ببیند که هزینه زیادی برای این کشور خواهد داشت. در نتیجه از کمیت و کیفیت و کارایی تخصصی و حرفه ای برخوردار نخواهد بود. (حافظ نیا، ۱۳۷۶، ص ۲). مشکل دوم، شکل گسیخته و غیر منسجم کشور است. نگاهی به نقشه جغرافیایی نشان می دهد که این جمهوری از شکلی تقریباً شش پنجه ای برخوردار است و بریدگی در خطوط مرزی آن زیاد مشاهده می شود. این امر باعث افزایش نسبت طول خطوط مرزی کشور با مساحت و نسبت جمعیتی آن می گردد. این امر نیروهای نظامی و دفاعی بیشتر و تسلیحات و تاسیسات نظامی زیادتری را طلب می کند. (گیتا شناسی، ۱۳۷۴، ص ۷).

۴) عدم دسترسی به آب های آزاد. انزوای ژئوپلیتیکی عدم دسترسی به آب های آزاد، جمهوری آذربایجان را در چارچوب محیطی گرفتار نموده است که به دلایل سیاسی، بین المللی، اقتصادی و طبیعی از پیرامون مجزا شده است. (صیدی، ۱۳۸۸، ص ۷۵). به طوری که نفت خام این کشور از طریق گذر از خطوط لوله باکو-نوروسیسک (بندر روسی در دریای سیاه)، خط لوله باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله باکو-سوپسا (در ساحل گرجستان در دریای سیاه) و سوآپ از طریق ایران به بازارهای جهانی صادر می شود. راههای ارتباطی این کشور نیز با جهان خارج از طریق استفاده از قلمرو کشورهای همسایه از غرب گرجستان، از جنوب از ایران، و از شمال از روسیه امکان پذیر می شود. (وزارت خارجه، ص ۳۸).

۵) وجود منطقه قومی ایرانی تالش در جنوب شرقی در مرز با ایران که با جنبش های جدایی طلبی از اوایل استقلال روبرو بوده و خود آگاهی هويت خواهی تالش ها که از اقوام ایرانی هستند مشکلات زیادی را برای دولت جمهوری آذربایجان به وجود آورده و با وجود سرکوب جنبش، این حرکات خاموش نشده و ادامه دارد.

۶) بحران هويت و ملت سازی از دیگر معضلات جدی جمهوری آذربایجان است. این جمهوری که در دوره تزاری به ویژه در زمان اتحاد جماهیر شوروی دارای جمعیت گوناگون (آذری، اسلاو، ارمنی، گرجی، تالشی، کرد، لژی، یهودی...) بود، نتوانست حکومتی بر مبنای ملت آذری بر پا دارد.

۷) جدایی از ترکیه توسط قلمرو ارمنستان و دشمنی ارمنه با ترک ها و آذری ها

۸) تمرکز جمعیت در شبه جزیره آیشوران در شرق کشور. (امیر احمدیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

۹) جمهوری آذربایجان از حیث فقر و تنگدستی اهالی ردیف اول را در میان ۱۳۲ کشور جهان به خود اختصاص داده است. بانک جهانی اعلام کرده است که ۶۸/۱ درصد اهالی جمهوری زیر خط فقر زندگی می کنند و از حیث فقر، حتی از کشورهای آفریقایی نیز عقب تر است. (وزارت خارجه، ص ۳۶).

۵- موقعیت جغرافیایی

جمهوری آذربایجان در شرق قفقاز جنوبی (ماوراء قفقاز)، در سواحل غرب دریای خزر در همسایگی شمال غربی ایران واقع شده است. جمهوری آذربایجان کشوری دو پاره است که بخش برونگان آن به نام جمهوری خود مختار نخجوان در غرب توسط خاک ارمنستان از قلمرو اصلی جدا مانده است. به همین سبب این بخش برونگان به صورت جمهوری خود مختار اداره می شود. این جمهوری قسمت جنوب شرقی کوه های قفقاز بزرگ، قسمت های بزرگی از کوه های قفقاز کوچک، جلگه کر-ارس (واقع در بین دو رشته کوه مزبور) و نیز قسمت هایی از کوه های تالش را در جنوب، در بر می گیرد. (وزارت خارجه، ص ۱).

جمهوری آذربایجان نسبت به دو جمهوری ارمنستان و گرجستان، شرقی ترین جمهوری است که منطقه حاشیه دامنه های جنوبی کوه های قفقاز را اشغال کرده است. این جمهوری که در شرق منطقه قفقاز در کنار ساحل غربی دریای خزر واقع شده است. در جنوب با جمهوری اسلامی ایران و در غرب با جمهوری ارمنستان و ترکیه، در شمال غربی با جمهوری گرجستان و در شمال با جمهوری خود مختار داغستان واقع در روسیه فدراتیو هم مرز است. بخش اصلی سرزمین آذربایجان بین انت های جنوب شرقی قفقاز علیا، انت های جنوب شرقی قفقاز سفلی و کوه های تالش قرار دارد تنها ۱۰ این کشور پوشیده از جنگل است و بخش وسیعی از این جمهوری زمین های پست اطراف رودخانه کورا، که از شمال غربی دریای خزر جریان دارد و شعبه آن رود ارس که در امتداد مرز با ایران واقع شده، را شامل می شود.

این جمهوری با مساحتی حدود ۳۳۴۰۰ مایل مربع یا ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع از کشور سریلانکا بزرگتر و هم اندازه کشور پرتغال است. آذربایجان شامل جمهوری خود مختار «نخجوان» است که در جنوب غربی آن قرار گرفته و به دلیل سیاست های ضد اسلامی شوروی سابق توسط سرزمین ارمنستان از آن کشور جدا شده است آذربایجان همچنین شامل منطقه خود مختار ناگورنو قره باغ نیز می باشد.

جمهوری آذربایجان حدود ۸/۵ میلیون نفر جمعیت دارد و ملت های گوناگونی از قبیل روس ها، یهودی های تالش ها و آذری ها را در خود جای داده است. جمهوری آذربایجان دارای بیش از ۶۵ شهر می باشد که پایتخت آن باکو بوده و مهم ترین شهرهای آن عبارتند از: باکو، سومگائیت، گنجه، سازمان، قاضی محمد گویچای، پولاخ قوبا، لنکران، آستارا، نفت چالا شکی. (عزیزی، ص ۲).

۶- جغرافیای طبیعی

جمهوری آذربایجان به علت موقعیت جغرافیایی خود دارای شرایط طبیعی مناسب و مساعدی است. حدود ۶۵ درصد قلمرو جمهوری آذربایجان در اقلیم جنب مداری و ۳۵ درصد آن در اقلیم معتدل قرار دارد. اراضی جمهوری آذربایجان شامل شبه جزیره آیشرون (آیشوران) و مجمع الجزایر باکوست که در دریای خزر واقع شده است. جمهوری آذربایجان از شرق به مسافت ۸۲۵ کیلو متر خط ساحلی به دریای خزر محدود می شود که خلیج باکو در آن قرار گرفته و شهر باکو در ساحل این خلیج بنا شده است.

ارتباط های زمینی (ریلی و جاده ای) جمهوری آذربایجان با روسیه (فقط با جمهوری داغستان که در ترکیب روسیه قرار دارد)، از طریق دشت شول لار از طریق جاده ترانزیتی و راه آهن فراهم می شود. در عین حال ارتباط دریایی با روسیه از طریق بنادر دریای خزر (بین باکو در جمهوری آذربایجان با ماخاچکالا، آستارا خان، اولیا در روسیه) برقرار است. شاهرا های ارتباطی شمالی - جنوبی جمهوری آذربایجان، ارتباط بین ایران با روسیه و برخی کشورهای اروپایی را از طریق جاده های بین المللی فراهم می آورد. جمهوری آذربایجان از غرب با گرجستان هم مرز است. این ارتباط از طریق راه های زمینی آقاستفا - روستاوی و راه آهن بالاکن - لاگودخی، خطوط انتقال نیرو و لوله انتقال گاز صورت می گیرد. مرزهای جنوب غربی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران در اثر مناقشه قره باغ کوهستانی و اشغال آن توسط ارمنه، اکنون در کنترل این کشور قرار ندارد. ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان با استفاده از راه هایی که از اراضی ارمنستان می گذرد برقرار می شد. پس از مناقشه قره باغ، ارتباط مستقیم جمهوری آذربایجان و نخجوان امکان پذیر نیست و این ارتباط در حال حاضر از قلمرو جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد. موقعیت ساحلی جمهوری آذربایجان در دریای خزر و دسترسی به آبراه های ولگا - دن و ولگا - بالتیک (در قلمرو و حاکمیت دولت روسیه)، امکان ارتباط دریایی جمهوری آذربایجان با روسیه، و از آن طریق با آب های آزاد را فراهم می سازد. آذربایجان در دریای خزر با بنادر ایران، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه مبادلات تجاری مستمر دارد. (وزارت خارجه، ص ۳).

۶-۱- موقعیت و شرایط طبیعی

قلمرو جمهوری آذربایجان، قسمت جنوب شرقی رشته کوه قفقاز بزرگ، قسمتی از رشته کوه قفقاز کوچک، جلگه کر-ارس (که در بین این دو رشته کوه قرار دارد) و جلگه لنکران را در بر می گیرد. جمهوری آذربایجان از شمال با فدراسیون روسیه (جمهوری خود مختار داغستان) هم مرز است و توسط رود سامور و کوه های آب بخشان قفقاز بزرگ، از آن جدا می شود. مرز جمهوری آذربایجان و گرجستان در غرب، در بیشتر نقاط، مرزی طبیعی است. یکی از مرزهای طبیعی مناسب آذربایجان و گرجستان، مسیر سفلاوی رود آلازان است. جمهوری آذربایجان از غرب با ارمنستان هم مرز است که با رشته کوه های موغروز، شاه داغ و سوان شرقی، از آن جدا می شود. مرز طبیعی جمهوری آذربایجان در جنوب، از رود ارس و کوه های تالش، بلغارچای آستاراچای می گذرد. آذربایجان در جنوب با ایران و در جنوب غربی از طریق مرزی به طول ۱۱ کیلومتر در نخجوان با ترکیه هم مرز است (جمهوری آذربایجان از طریق خاک اصلی خود مرز جغرافیایی با ترکیه ندارد). جمهوری آذربایجان از شرق به دریای خزر محدود می شود.

جمهوری آذربایجان از نظر طبیعی به ۵ ناحیه جغرافیایی متمایز به نام های

الف) قفقاز بزرگ

ب) قفقاز کوچک

ج) جلگه کر-ارس

د) کوه های تالش-لنکران

ه) نخجوان

تقسیم می شود. قسمت شرقی رشته کوه قفقاز کوچک در داخل جمهوری آذربایجان و قسمت غربی آن در ارمنستان واقع است. این قسمت، قفقاز کوچک و کوه های موروداغ، سوان شرقی، زنگه زور، قره باغ، فلات قره باغ و قسمتی از رشته کوه های موغروز را در بر می گیرد. رود کر و ارس بزرگترین رودهای جمهوری آذربایجان هستند. (وزارت خارجه، ص ۴-۵). رودخانه های آقاستفا، شامخور، طاووس، زه یم، قوشقا، گنججه و چند رود دیگر از رشته کوه های قفقاز کوچک سرچشمه گرفته در اراضی آذربایجان جاری می شوند. دریاچه کوهستانی گوی گول که از معروف ترین و زیباترین دریاچه های کوهستانی است، در ارتفاعات این رشته کوه واقع شده است. در دامنه کوه های قفقاز کوچک، آب و هوای معتدل، معتدل - سرد، نیمه مرطوب و در بلندی های آن سرد و مرطوب حکمفرماست. (امیر احمدیان، آموزش، ص ۳۷).

۶-۲- آب و هوای جمهوری آذربایجان

از لحاظ آب و هوایی جمهوری آذربایجان دارای چندین نوع آب و هوای مختلف است. درجه هوای متوسط در مناطق جلگه ای شمال و شرق کشور تا ۶ درجه سانتیگراد در زمستان و ۲۶ درجه سانتیگراد در تابستان می رسد در حالیکه در مناطق کوهستانی غربی تا ۹- درجه در

زمستان و ۱۲ درجه سانتیگراد در تابستان می‌رسد. بطور کلی شمال و شرق کشور دارای آب و هوای نسبتاً خشک و کوهستانی است در حالیکه منطقه جنوب شرقی آب و هوای مرطوب و ملایم تری دارد. مناطق غربی و شمالی و جنوبی شامل قره باغ و شمال شرقی جمهوری خودمختار نخجوان دامنه کوههای قفقاز و ناحیه لنکران-آستارا و کوههای تالش بسیار مرطوب هستند. (aztpo.com). تقریباً نیمی از سرزمین آذربایجان کوهستانی است. مرتفع ترین نقطه این کشور قله بازاردوزو با ارتفاع ۴۴۸۵ متر در مرز آذربایجان و داغستان است. (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹). ملایم و کوتاه بودن دوره زمستان، سبب کاهش هزینه های گرما زایی و تامین لباس های گرم می شود. موسسات صنعتی در فضاهای باز تاسیس و به کار انداخته شده اند، دام‌ها، به ویژه دام های کوچک در تمام مدت سال در هوای آزاد از مراتع طبیعی بهره مند می شوند. (امیر احمدیان، آموزش، ص ۳۵).

۶-۳- مختصات جغرافیایی

جمهوری آذربایجان با مساحت ۸۶/۶ هزار کیلومتر مربع، در ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۱ درجه و ۵۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. طول آن از شرق به غرب، برابر ۵۰۰ کیلومتر و عرض آن از جنوب تا شمال ۴۰۰ کیلومتر است.

از نظر اداری جمهوری آذربایجان به یک جمهوری خودمختار (نخجوان) و ۶۵ ناحیه روستایی (رایون) تقسیم می شود. دارای ۶۹ شهر، ۲۴۰ شهرک، ۱۶۹۱ مرکز روستایی و ۴۲۷۲ روستا است. در ترکیب جمهوری آذربایجان، دو واحد سیاسی-اداری خودمختار شامل (جمهوری خودمختار نخجوان) و (ولایت خودمختار قره باغ کوهستانی) نیز وجود دارند. نخجوان یک بخش برونگان جمهوری است که در غرب جمهوری مابین ارمنستان و جمهوری آذربایجان واقع شده و ارتباط زمینی مستقیمی با خاک اصلی جمهوری آذربایجان ندارد و این ارتباط از طریق خاک ایران صورت می گیرد. ولایت قره باغ نیز در اشغال ارامنه قره باغ و یک واحد جدایی طلب به نام (جمهوری ناگورنو قره باغ) تشکیل داده اند که به جزء از سوی ارمنستان و امریکا (دوفاکتو) از سوی دیگر کشورها شناسایی نشده است.

تنها یک شهر از ۶۹ شهر آن (باکو) بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که بیش از یک چهارم جمعیت کشور در آن استقرار یافته است. هم چنین دو شهر جمهوری (گنجه و سومقاییت) بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار جمعیت دارند. از بین ۲۴۰ شهرک جمهوری حدود ۱۵۳ شهرک کمتر از ۳ هزار نفر جمعیت دارند. (وزارت خارجه، ص ۸).

۶-۴- مرزهای جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان با ۵ کشور هم مرز است. طول مرزهای زمینی آن ۲۶۵۷ کیلومتر است. در شمال شرقی با گرجستان، در غرب با ارمنستان، در جنوب با ایران، در جنوب غربی (در قلمرو جمهوری خودمختار نخجوان) با ترکیه هم مرز بوده و در شرق به دریای خزر محدود می شود. این جمهوری در شمال با روسیه (جمهوری خود مختار داغستان) ۳۹۰ کیلومتر مرز دارد کهاز بستر رود سامور آغاز شده و رشته کوه صدور و بازار دوزو و سپس خط الراس رشته کوه قفقاز به طرف غرب کشیده شده است. طول مرز آن با گرجستان ۴۸۰ کیلومتر است. خط الراس کوه های مورقوز، شاه داغ و گویجه شرقی مرز بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان را در غرب جمهوری تشکیل می دهد. طول مرزهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان ۱۰۰۷ کیلومتر است.

مرزهای جمهوری آذربایجان در جنوب با ایران، مرزهای طبیعی است که شامل رود ارس، کوه های تالش، رودهای بلغار چای و آستارا چای است. طول مرزهای آذربایجان با ایران ۷۶۵ کیلومتر است. جمهوری آذربایجان با ترکیه ۱۵ کیلومتر از طریق جمهوری خودمختار نخجوان مرز مشترک دارد که نقش اقتصادی-سیاسی و استراتژیک دارد. جمهوری آذربایجان از شرق، به دریای خزر محدود می شود. طول خط ساحلی جمهوری آذربایجان در دریای خزر ۸۲۵ کیلومتر است. (وزارت خارجه، ص ۱۰).

۷- جغرافیای انسانی

۷-۱- جمعیت جمهوری آذربایجان

بر اساس اطلاعات موجود در سرشماری عمومی سال ۱۹۲۶ اتحاد جماهیر شوروی، جمعیت جمهوری شوروی آذربایجان ۲/۳ میلیون نفر بود. در سرشماری ۱۹۳۹ که قبل از جنگ جهانی دوم انجام شده بود جمعیت آذربایجان برابر ۳/۲ میلیون نفر بود و نسبت جنسی ۹۵ بود. در آخرین سرشماری دوره شوروی که در سال ۱۹۹۹ بود، جمعیت جمهوری آذربایجان شوروی به ۷ میلیون نفر رسید در این سال نسبت جنسی به ۱۰۵ رسید. پس از استقلال جمهوری آذربایجان نخستین سرشماری در سال ۱۹۸۹ صورت گرفت که بر اساس استاندارد آماری سازمان ملل فاصله ده سال بین دو سرشماری در آن رعایت شده است. در این سال جمعیت به ۸ میلیون نفر رسید. بر اساس برآوردهای انجام شده توسط مرکز آمار دولتی جمهوری آذربایجان جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۶ به حدود ۸/۴ میلیون نفر رسیده است. در این سال نسبت جنسی به ۱۰۳ کاهش یافته است. (وزارت خارجه، ص ۱۲). جمعیت آذربایجان در سال ۲۰۱۲ حدود ۹/۱۲۵ میلیون نفر بوده است. (travelclinic.ir).

باکو به عنوان پایتخت جمهوری آذربایجان در سال ۱۸۹۷ در دوره تزاری ۱۱۲ هزار نفر جمعیت داشته است. در سرشماری سال ۱۹۳۹ این شهر ۸۰۹ هزار نفر جمعیت داشت که ۵۲/۲٪ از جمعیت کل جمهوری را تشکیل می داد. در سال ۲۰۰۶ جمعیت باکو با ۱/۹ میلیون نفر حدود یک چهارم جمعیت را شامل می شد.

جمهوری خودمختار نخجوان به عنوان بخش برونگان جمهوری در سال ۱۹۲۶ برابر ۱۰۵ هزار نفر و در سال ۱۹۳۹ در دومین سرشماری اتحاد شوروی ۱۲۶/۷ هزار نفر جمعیت داشت که ۴٪ از کل جمعیت جمهوری آذربایجان شوروی را در بر می گرفت. در سال ۱۹۸۹ در اثنای فروپاشی اتحاد شوروی و جنگ قره باغ که ارتباط مستقیم نخجوان با خاک اصلی جمهوری آذربایجان در حال قطع شدن بود که در نهایت تا کنون نیز ادامه دارد، جمعیت نخجوان به ۲۹۳/۹ هزار نفر رسید که ۳/۷٪ از کل جمعیت جمهوری آذربایجان شوروی بود. بر اساس برآوردهای کمیته دولتی آمار جمهوری در سال ۲۰۰۶ این جمهوری ۳۷۶/۴ هزار نفر جمعیت داشته است که ۴/۵٪ کل جمعیت را شامل می شود. (وزارت خارجه، ص ۱۴). شهرهای عمده این کشور گنجه، سومقاییت، شکی، شوشا، شیروان، خان کندی، لنکران، مینگه چویر، نفتالان، یولاخ است. (aztpo.com).

۷-۲- دین و زبان

بیشتر جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمان عمدتاً شیعه هستند. زبان رسمی کشور ترکی آذربایجانی می باشد. در کنار زبان ترکی آذربایجانی، زبان های روسی، ارمنی، کردی، تالشی، تاتی، عبری، و لرگی نیز صحبت می شود. ترکی آذربایجانی از نظر تقسیمات زبانی، جزئی از ترکی غربی و یا ترکی اوغوز می باشد. ترکی آذربایجانی، ترکی ترکیه و ترکی ترکمنی در گروه ترکی غربی و یا ترکی اوغوز قرار می گیرند. (aztpo.com). در مناطق روس نشین قره باغ و منطقه لنکران که محل زندگی قوم تالش است، گونه هایی از مخالفت با حکومت مرکزی وجود دارد. ارامنه با کشور همسایه، ارمنستان، بسیار نزدیکی دارند، ولی تالش ها با کشور همسایه و هم جوار خود، ایران، نزدیکی چندانی ندارند. از ۱۹۹۳ الفبای لاتین جای خط سیریلیک را گرفت و از ۲۰۰۱ به کار بردن الفبای سیریلیک در مکاتبه های سیاسی و تجاری ممنوع شد (کولای، ۱۳۸۹، ص ۱۹۰-۱۸۹).

۷-۳- اقوام ساکن در جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان کشوری چند قومی است و از دیر باز جمعیت های گوناگونی در قلمرو آن زندگی می کردند. این مورد بیشتر بدان جهت بود که تا قبل از دهه دوم قرن بیستم کشوری به نام جمهوری آذربایجان وجود نداشت. این قلمرو از اوایل قرن نوزدهم در اثر شکست ایران در جنگ های روسیه و ایران و در پی توسعه قلمرو روسیه به جنوب از ایران منتزع و به روسیه پیوست. پس از آن نیز اقوام متعددی از دیگر قلمرو روسیه تزاری بدانجا کوچیده و در آن ساکن شدند. به همین سبب امکانات جغرافیایی و طبیعی این سرزمین به ویژه نفت آن سبب جلب جمعیت های مهاجر شد.

بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس که در سال ۱۹۹۹ توسط دولت جمهوری آذربایجان انجام شده است تعداد جمعیت هر یک از اقوام و ملیت های جمهوری آذربایجان به ترتیب عبارت بودند از: لرگی ها ۱۷۸ هزار نفر، روس ها ۱۴۱/۷ هزار نفر (در سال ۱۹۸۹ روس ها ۲۹۲/۳ هزار نفر بودند)، ارامنه ۱۲۰/۷ هزار نفر (قبل از درگیری ۳۹۰/۵ هزار نفر بودند)، تالش ها ۷۶/۸ هزار نفر، ولی آنها تعداد خود را تا ۵۰۰ هزار نفر اعلام

کردند، آوارها ۵۱ هزار نفر، ترکه ۴۳/۴ هزار نفر، تات ها ۱۱ هزار نفر، تاتارها ۳۰ هزار نفر، اوکراینی ها ۲۹ هزار نفر، تساخور ها ۱۶ هزار نفر، گرجی ها ۱۵ هزار نفر، کردها ۱۳/۱ هزار نفر، یهودی ها ۹ هزار نفر، اودینها (از اقوام داغستانی ها) ۴/۱ هزار نفر (2000, the World Bank).

۷-۴- سیستم حکومتی

جمهوری آذربایجان دارای یک سیستم ریاست جمهوری و نهاد قانونگذاری منتخب می‌باشد. احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلفی یک اپوزوسیون فعال تشکیل می‌دهند. بزرگترین گروه سیاسی، جبهه خلق آذربایجان است که در ۱۹۸۹ به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ تاسیس شد که به عنوان اولین رئیس جمهور بعد از دوره کمونیستی در ژوئن ۱۹۹۲ انتخاب شد. اکثر رهبران احزاب به اصول دموکراتیک و به نوعی اقتصاد بازار معتقدند. در سیستم حکومت مستقل دموکراتیک آذربایجان دین را از سیاست جدا کرده‌اند و اگر کسی جدانبودن سیاست از دین را ترویج کند آن را مجرم دانسته و مجازات می‌دهند. (عزیزی، ص ۳).

مجلس ملی این کشور ۱۲۵ نماینده دارد که توسط رای مردم برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند. نمایندگان مجلس ملی تایید نخست وزیر و دادستان کل را برعهده دارند. رئیس جمهور این کشور با حداقل ۳۵ سال سن توسط رای مستقیم مردم برای دوره ۵ ساله انتخاب می‌شود، که کابینه را به رهبری نخست وزیر انتخاب و برکنار می‌کند. او می‌تواند دوبار انتخاب شود. قضات دارای مصونیت قضایی و مستقل هستند. دادگاه عالی بالاترین نهاد قضایی جمهوری آذربایجان است.

ارتش این کشور هر چند در مقایسه با ارتش‌های همسایه بزرگتر است ولی با مشکلات داخلی روبروست، که مسائل مالی و فساد از آن جمله است. درآمد‌های نفت توانسته بخشی از این مشکلات را جبران کند، ولی روحیه ملی ضعیف است و سربازان بیشتر تمایل دارند از محل زندگی و زادگاه خود پاسداری کنند. جنگ با ارامنه در قره باغ نقش ارتش را بسیار پر اهمیت ساخته، ولی این کشور هم مانند دیگر جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی برای تامین امنیت خود در جستجوی حمایت‌های خارجی برآمده است (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

۷-۵- مناطق جغرافیایی موثر بر منافع ملی آذربایجان

اگر معیارهایی مثل شرکت در انتخابات و نتیجه آرای ماخوذه، ایجاد اغتشاش و نا امنی، حمایت از نظام سیاسی کشور را مد نظر قرار دهیم چند منطقه مهم در جمهوری آذربایجان وجود دارد که نحوه تاثیرگذاری هر کدام در سیاست داخلی در پی می‌آید.

۱. منطقه شبه جزیره آبشوران

این منطقه به دلیل قرا گرفتن نقاط شهری پر جمعیت مثل باکو، سومقاییت و ... نقش قابل ملاحظه ای در نتیجه انتخابات دارد. قرار گرفتن دفاتر مرکزی احزاب اصلی فعال در کشور و هم چنین دفاتر ارگان‌های مطبوعاتی این احزاب این نقش را مضاعف کرده است. از نظر حمایت از نظام سیاسی کشور و ایجاد اغتشاش نیز این منطقه تاثیرگذار است. این منطقه زادگاه تعداد زیادی از سیاستمداران و محل سکونت و فعالیت اکثر فعالان سیاسی به شمار می‌آید.

۲. منطقه نخجوان

منطقه نخجوان زادگاه سیاستمداران زیادی است که عموماً در تحولات سیاسی جمهوری آذربایجان نقش اساسی داشته‌اند. ابوالفضل ایلچی بیگ، رهبر حزب جبهه خلق آذربایجان، رسول قلی اف، رهبر حزب دموکرات آذربایجان و رئیس مجلس سابق و رئیس جمهور سابق آذربایجان و حیدر علی اف رهبر حزب آذربایجان نوین و رئیس جمهور کشور هر سه در جمهوری خودمختار نخجوان به دنیا آمده و ارتباط نزدیکی با مردم و نهاد‌های سیاسی و اجتماعی این منطقه داشته‌اند. نهاد‌های حکومتی مستقر در این برون بوم (مثل مجلس عالی نخجوان و هیات وزیران) نیز در حمایت از نظام سیاسی مرکزی کشور تاثیرگذار هستند.

۳. منطقه قره باغ

مناقشه قره باغ که در حال حاضر اصلی ترین دغدغه دولتمردان آذربایجان است، در این منطقه اتفاق افتاده و تمام جنبه‌های زندگی مردم کشور را تحت الشعاع قرار داده است. از نظر ایجاد ناامنی، این منطقه بالاترین و اصلی ترین تاثیر را دارد که ارامنه قره باغ به عنوان اکثریت ساکنان منطقه در موضع دشمنی با حکومت و مردم آذربایجان قرار دارند و در سایر پارامترهای سیاست داخلی مثل انتخابات یا حمایت از نظام سیاسی و پرورش سیاستمداران نقش ندارند و نقششان فقط منحصر به ایجاد ناامنی، تجزیه طلبی و ایجاد بحرانی در سطح بین المللی است.

۴. منطقه گنجه

منطقه گنجه به دلیل داشتن جمعیت قابل توجه و سابقه استقرار حکومت در دوره جمهوری اول (۲۰-۱۹۱۸) و سکونت و فعالیت های سابق صورت حسین اف، نخست وزیر سابق کشور که در سال ۱۹۹۲ با رهبری نظامیان شورشی حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ را ساقط کرد، از نطقه نظر حمایت یا مخالفت با نظام سیاسی و انتخابات و داشتن توان بالقوه برای ایجاد ناامنی دارای اهمیت است (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰).

۹- مفهوم منافع ملی

منافع ملی مفهوم اساسی سیاست خارجی است که توسط واقع گرایان وارد حوزه روابط بین الملل شده، این مفهوم در بر گیرنده تمامی ارزشهای ملی است و عبارت است از هدف های عام و دائمی که ملت و دولت در راه تحقق آنها فعالیت می کنند بنابراین منافع ملی امری دائمی و دارای رابطه مستقیم با سیاست خارجی است. منافع ملی در اصطلاح عبارت است از هدف اصلی و تعیین کننده نهایی در جریان تصمیم گیری سیاست خارجی یک کشور. منافع ملی یک مفهوم کلی از عناصری است که مهم ترین احتیاجات حیاتی کشور را تشکیل می دهد؛ این عناصر عبارتند از: حفظ موجودیت؛ استقلال؛ تمامیت ارضی؛ امنیت نظامی و رفاه اقتصادی (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۶، صص ۷۶۶-۷۶۷). پروفیسور هالستی معتقد است که اهداف منافع ملی در درجه اول صلنت و موجودیت کشور سپس توجه دولت که معطوف به روابط بین دولت ها برای پیشبرد مقاصد عمومی و خصوصی، رفاه اجتماعی، توسعه اقتصادی و مناسبات تجاری، افزایش پرستیژ، توسعه و نفوذ از طریق عقد قرارداد های مختلف می باشد. منطقه قفقاز که در نظریه مکیندر در اوراسیا قرار دارد و پیوند دهنده خاورمیانه به اروپا می باشد در معادلات سیاسی کشورها دارای اهمیت زیادی است (ساجدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸).

منافع ملی جمهوری آذربایجان از مجموعه ای از ارزش های اساسی تشکیل شده است و اهداف از مردم آذربایجان، و نیز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر نیازهای لازم است برای رفاه افراد، جامعه و دولت. آنها به شرح زیر شناسایی می شوند:

۱. پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی به دولت، تضمین مصونیت از آن مرزهای شناخته شده بین المللی
۲. حفظ وحدت مردم آذربایجان، و حمایت از ملی آگاهی
۳. ایجاد جامعه مدنی، حصول اطمینان از احترام به حقوق بشر و اساسی آزادی
۴. تقویت عملکرد نهادهای دولتی و تضمین امنیت مردم از طریق توسعه نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی، و با حفظ حاکمیت قانون و نظم عمومی

۵. برآورده ساختن تعهدات بین المللی و کمک به امنیت و جهانی و منطقه ای ثبات از طریق توسعه همکاری با هدف یکپارچه سازی به ارزش مشترک سازمان های بین المللی

۶. ایجاد شرایط مطلوب برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی به منظور توسعه یک اقتصاد بازار، بهبود مبنای قانونی آن و اطمینان از ثبات اقتصادی

۷. تحکیم همبستگی و هویت ملی بر اساس ارزش های مشترک توسط آذربایجانی ها در سراسر جهان (The president of the Republic of Azerbaijan).

۱۰- بررسی تاثیر جغرافیای سیاسی بر منافع ملی آذربایجان

۱۰-۱- بحران قره باغ

از نظر جغرافیایی و مکانی منطقه قره باغ کوهستانی در داخل خاک آذربایجان قرار دارد و با کشور ارمنستان مرز ندارد. قره باغ کوهستانی دارای ۴۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت است. جمعیت فعلی قره باغ (قبل از اشغال توسط ارتش ارمنستان) ۱۹۰ هزار نفر برآورد شده است که از این میزان ۷۷٪ ارمنی، ۲۲/۵٪ آذربایجانی و ۰/۵٪ روس هستند. در شرایط فعلی دولت آذربایجان و برخی گروه های سیاسی با تلاش های گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا در زمینه حل بحران قره باغ به نحویکه منافع آذربایجان را تامین کند، امیدوارند. ولی برخی گروه های سیاسی با توجه به اینکه نزدیک به یک دهه از اعلام آتش بس دو کشور گذشته و مجامع بین المللی از جمله گروه مینسک نتوانسته اند نسبت به حل این مشکل اقدام موثری انجام دهند، چندان به حل و فصل این بحران خوشبین نیستند. (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴).

در حال حاضر منازعه قره باغ ظاهراً فروکش کرده است. کنترل قره باغ از دست دولت آذربایجان خارج شده و ضمن حضور نیروهای ارمنستان تقریباً خودمختار است، اما هنوز تکلیف آن روشن و قطعی نیست. بحران قره باغ دارای ریشه های تاریخی-فرهنگی عمیقی است و مساله ای نیست که با چند دور مذاکرات دیپلماتیک آن هم توسط کسانی که از دغدغه های مردمان منطقه آگاهی کافی ندارند، حل و فصل شود (قنبرلو، ۱۳۸۸، ص ۴).

آذری ها همواره از دو سو تحت تاثیر بوده اند، از جانب ترکیه و اندیشه ناسیونالیسم ترک، و از سوی شمال، از جانب روس ها با اندیشه جهان وطنی که خود در آن دارای نقشی اساسی در مصاف با شرق بودند. اگر آذربایجان بتواند شرایط داخلی را به سمت و سویی که از آنها اراده ای منسجم و ملی بروز و ظهور یابد، هدایت کند، خواهد توانست بر محدودیت بزرگ رفتاری خود غلبه یابد. به دلیل آنکه اندک تلاش های آذربایجان، علی رغم وجهه شکست خورده در جنگ، تاکنون نتوانسته حتی اندک پیشرفتی را برای این کشور در صحنه سیاسی-نظامی رویارویی با ارامنه قره باغ به همراه بیاورد، می توان اذعان داشت که بزرگترین محدودیت رفتاری آذربایجان هم چنان وجود دارد (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). شورای امنیت و همکاری اروپا با توجه به نگرش های اعضای آن در اکثر اقدامات سیاسی به ملاحظات اقتصادی نیز توجه دارند. در زمینه حل بحران قره باغ نیز به شکوفا شدن اقتصاد منطقه و ارتباط با کشورهای اروپایی توجه می کنند. کشورهای خارجی در خصوص بحران قره باغ بیشتر نتیجه کار را با منافع خود پیوند می زنند. در سال های اخیر دولت امریکا تحت تاثیر منافع اقتصادی خود در انتقال نفت از آذربایجان (به ویژه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان) و مجامع بین المللی در آذربایجان در آن ها نفوذ کرده، از دولت باکو حمایت می کنند (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶).

اشغال بخشی از سرزمین جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان، حمایت روسیه از ارمنی ها در جنگ قره باغ، همسایگی با روسیه سبب شده که این کشور برای حفظ تمامیت ارضی و ثبات داخلی به سوی کشورهای غربی گرایش یابد و روابط ویژه ای را با کشورهای غربی به ویژه ترکیه و امریکا برقرار سازد. جمهوری آذربایجان برای تحقق این هدف یعنی، باز پس گیری قره باغ از قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای برای ایجاد پایگاه های نظامی و حضور دائمی در قفقاز دعوت کرده است. توافق نظامی و همکاری های گسترده میان این کشور با ترکیه، هم چنین تمایل این کشور برای واگذاری پایگاه به ناتو و امریکا در جزیره آبشوران، مشارکت فعال در پیمان گوم در جهت جلوگیری از نفوذ روسیه و ارمنستان است. روابط خارجی جمهوری آذربایجان بیانگر تلاش رهبری باکو برای بهره گیری از اهرم نیروهای خارجی است تا اراضی خود را از اشغال ارامنه آزاد سازد (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۹-۳۸۰).

در حال حاضر دولت آذربایجان دو گزینه به صورت کلی در زمینه حل بحران قره باغ در پیش رو دارد: ۱) حل مشکل به صورت یکجا، آزادسازی اراضی اشغالی و به دست آوردن تمامیت ارضی کشور که با توجه به عدم اطمینان توان ارتش آذری تحقق آن چندان آسان نیست. ۲) حل مشکل به صورت قدم به قدم که در مرحله اول آزادسازی بخشی از اراضی اشغالی را شامل خواهد شد و برای سایر مراحل راه مذاکره و چانه زنی باز است. به طور کلی ترتیب منطقه ای و منافع ملی کشورها ایجاب می کند صلح و ثبات در قفقاز حاکم شود. در حال حاضر قره باغ یکی از گرهگاه های بحران زا در این منطقه است که حل آن قبل از هر چیزی نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در دیدگاه ها و ادبیات سیاسی دو کشور و نیز دولت های دارای منفعت ویژه در منطقه است. (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸).

در خصوص اهمیت قره باغ می توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- موقعیت نسبتاً ژئواستراتژیکی قره باغ و قرار گرفتن در محل تلاقی ژئواستراتژیکی اوراسیایی
 - ۲- سرچشمه گرفتن یا عبور رودخانه های بزرگ آذربایجان از قره باغ و مناطق اشغالی همجوار
 - ۳- قرار داشتن شاهراه ارتباطی-نظامی تنگه لاپچین در رایون اشغالی کلبجر در جوار قره باغ
 - ۴- حساسیت توده ای به مقوله قره باغ و حیثیتی شدن آن برای مردم هر دو کشور
 - ۵- وجود ارتفاعات جدار قره باغ به مثابه سنگر مستحکمی در مقابل ارمنستان (مهری، فیروزکوهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵).
- در آخر اینکه شش دسته عوامل را می توان در به وجود آوردن مناقشه و طولانی شدن آن برشمرد: ۱) تفکر غیر واقعی رهبران شورویدر مورد قومیت ها و فدرالیسم ۲) رویکرد افراطی آذربایجانی ها به ترکیه ۳) ذهنیت منفی تاریخی ارامنه ۴) فقدان مشروعیت و مخدوش بودن مرزها در منطقه ۵) اعمال سیاست تبعیض علیه یکدیگر ۶) رقابت قدرت های تاثیر گذار (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

۱۰-۲- احزاب سیاسی مخالف

احزاب سیاسی مخالف دولت و همچنین گروه های مخالف دیگر همواره مانع از اجرای سیاست ها و برنامه های دولت آذربایجان می شوند. احزاب جبهه خلق آذربایجان، مساوات، استقلال ملی و حزب دموکراتیک آذربایجان از مهم ترین احزاب مخالف هستند که این احزاب طی میتینگ ها و مطالبی که در ارگان های مطبوعاتی خود چاپ می کنند، همواره به مخالفت با سیاست های دولت و حزب حاکم (آذربایجان نوین) می پردازند. علاوه بر احزاب سیاسی یاد شده، اسلام گرایی در بین مردم آذربایجان چالشی است که پیش روی حاکمیت جمهوری آذربایجان قرار دارد و مشکلاتی را بر سر راه سیاست های سکولار دولت ایجاد می کند. (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹). همانطور که در انتها قسمت ۵ (ادیان و مذاهب) خاطر نشان گردید گروه های اسلامی شیعه، اهل سنت میانه رو، نورچی ها، وهابیت و... در جمهوری آذربایجان وجود داشته و به فعالیت می پردازند. جمهوری آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی در سالیان قدیم بوده است و هنوز ارتباط قومی با تاریخ اسلامی با میراث درخشان معماری هنر اسلامی دارد. بیش از ۵۰۰۰ مکان با معماری اسلامی در این جمهوری وجود دارد. (عزیزی، ص ۹).

۱۰-۳- جمعیت (قومیت و مذهب)

از نظر جمعیت جمهوری آذربایجان در میان جمهوری های قفقاز رتبه اول را داراست. در این کشور بیش از ۲۰ قوم بزرگ زندگی می کنند. بیشترین جمعیت مربوط به آذربایجانی ها است و پس از آن اسلاو ها قرار دارند. روس ها در میان اسلاوها بیشترین نسبت را دارا بودند. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان به علت خروج قوای نظامی روس از آنجا و تعطیلی بسیاری از مشاغل که در اختیار آنها بود و کنترل اداره امور جمهوری به دست آذربایجانی ها، جمعیت روس در این جمهوری تقلیل یافت. در این جمهوری اقوام مختلفی مانند لژی ها، تالش ها، آوارها، کردها، اودین ها، تاتارها، یهودی ها و دیگر اقوام و ملل زندگی می کنند. این بحران هویت و ملت سازی یکی از معضلات جدی جمهوری آذربایجان است و همواره مانع برپایی حکومتی بر مبنای ملت آذری شده است.

در کشور جمهوری آذربایجان از حیث تجانس و اشتراک های دینی به علت غیر دینی (لائیک) بودن سیستم حکومتی هرگونه فعالیت عمیق مذهبی به عنوان فعالیتی سیاسی و تحریک آمیز تلقی شده و همواره مورد سوال دستگاه های امنیتی قرار می گیرد. اگر چه جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعه در جهان است اما به علت آثار به جای مانده از دوران ۷۰ ساله کمونیسم، حساسیت دولت نسبت به هرگونه فعالیت مذهبی مانع از بهره گیری از اشتراکات مذهبی در جهت تامین منافع ملی شده است. (صدیدی، ۱۳۸۸، ص ۷۸، ص ۸۶).

در بین نژادها، ملیت ها و مذاهب موجود در کشور آذربایجان، ترک های آذربایجانی که مسلمان هستند، تقریباً تمام سهم را در سیاست داخلی دارند. در بین اطلاعات و اسناد موجود، هیچ موردی که نشان دهنده نقش گروه های نژادی، ملی و مذهبی از آذربایجانی ها در قوای سه گانه حکومتی باشد پیدا نشده است. فقط چنین موردی در شرکت های وابسته به دولت مثل شرکت نفت دولتی سوکار مشاهده می شود. کما اینکه در حال حاضر، رئیس شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان یک نفر روس است. (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹).

۱۰-۴- انرژی و خط لوله باکو-تفلیس-جیحان (btc)

برای جمهوری آذربایجان که جنگ قره باغ و اشغال خاک آن توسط ارمنه، پیامد های سیاسی-اقتصادی مهمی دربر داشته، انتقال انرژی از مسیر این کشور به سوی غرب از اهمیت استراتژیک برخوردار است. ضرورت تامین امنیت خط لوله باکو-تفلیس-جیحان فعالیت بیشتر و موثرتر امریکا و نیروهای نظامی آن را به همراه داشته است. تامین امنیت منطقه عبور این خط لوله ۱۷۷۰ کیلومتری با بحث ها و چالشهای بسیاری همراه بوده، همان گونه که در همه مسیرهای دیگر نیز دغدغه های امنیتی تحولات زیادی را به وجود آورده است. برای این جمهوری که با مشکلات ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی و عدم حمایت منظم و مستمر از سوی مسکو مواجه بود، احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیحان اهمیت حیاتی در تامین منافع ملی داشت. همگرایی با امریکا و اجرای پروژه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان حفظ امنیت و ثبات در این جمهوری را ضروری ساخته است. (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۶-۴۰۰).

جمهوری آذربایجان حداقل در دهه اخیر به دلیل فرسودگی زیربنای اقتصادی، جنگ قره باغ، نقص تمامیت سرزمینی اش، وجود ۱/۲ میلیون آواره جنگی، فساد اداری-مالی و دسترسی نداشتن به آب های آزاد به کشوری فقیر تبدیل شده است. اما این کشور نوبا با اتکا به منابع غنی معدنی به ویژه ذخایر نفت-گاز، قادر به بازسازی و نوسازی اقتصاد و جامعه است. در حال حاضر، حدود ۷۰٪ خشکی و فلات قاره این کشور دارای

منابع نفت و گاز هستند. از ۷۰ حوضه نفت و گاز ۵۰ حوضه در خشکی و ۲۰ حوضه آن در فلات قاره دریای مازندران قرار گرفته اند. نو شدن اقتصاد و جامعه در این جمهوری، با وجود زیربناهای مناسب فرهنگی-آموزشی، میراث های تاریخی، حمایت های امریکا، اروپا و ترکیه پدیده ای دور از انتظار نیست. در صورت تبدیل جمهوری آذربایجان به کشوری توسعه یافته، مرفه و درهای باز، احتمال فعالیت شدن، نیروهای همگرایی در درون جمهوری برای تامین منافع ملی وجود خواهد داشت (Sid، ص ۱۰۸-۱۰۹).

یکی از مسائل مهم در بحث اقتصاد تامین انرژی است که به عنوان یک مسئله راهبردی برای تامین منافع ملی است. از سوی دیگر آذربایجان تلاش می کند هر چه بیشتر از سلطه روسیه خارج شود. البته با توجه به اینکه در این کشور نیروی متخصص و امکانات فنی برای استحصال و انتقال نفت و گاز وجود ندارد، زمینه حضور قدرت های فرا منطقه ای در قالب کنسرسیوم های نفتی و سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز در آن کشور را فراهم آورده است. با این حال وجود نفت و گاز در جمهوری آذربایجان فی نفسه تهدیدی برای ایران محسوب نمی شود ولی اینکه نفت توسط چه کشورهایی و از چه مسیری ترانزیت شود باعث تقویت همگرایی می شود. در واقع ترانزیت انرژی جمهوری آذربایجان که توسط امریکا از مسیر باکو-تفلیس-جیحان صورت می گیرد و حوزه دریای خزر از مسیری غیر از ایران باعث تقویت رقابتی منطقه و فرا منطقه ای خواهد شد (صدیدی، ۱۳۸۸، ص ۸۲-۸۳).

۱۰-۵- موقعیت جغرافیایی

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از کشورهای قفقاز جنوبی بعد از منابع انرژی (نفت و گاز) دومین عاملی است که به عنوان پشتوانه برای این کشور نقش آفرینی می کند. اراضی این جمهوری به عنوان بخشی از قفقاز در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی برتر و کلیدی برخوردار بوده و به سبب این موقعیت همواره در معرض توجه دولت ها و قدرت های بزرگ قرار داشته است. آذربایجان چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران برگ قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهار راه مواصلاتی شرق-غرب و شمال-جنوب قرار داشته و هنوز هم علی رغم ایجاد راه های ارتباطی جدید این موقعیت را حفظ کرده است. به طوری که می توان ادعا کرد اگر این کشور کوچک فاقد نفت و گاز هم بود باز قابلیت این را داشت که هم چنان در کانون توجهات دیگران قرار گیرد. بی شک توجه برخی سازمان های بین المللی مانند ناتو بیش از آنکه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیای آن است، هم چنان که برای قدرت های اروپایی و امریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت استراتژیک هستند غیر قابل چشم پوشی است. (صدیدی، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

جمهوری آذربایجان با استفاده از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود، می تواند با مهیا ساختن زمینه های نفوذ حضور ایالات متحده، اسرائیل و ناتو در خاک خود و حتی نهادینه کردن آن بهره برداری گسترده ای را برای تحت فشار گذاشتن ایران داشته باشد. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود می تواند در خنثی سازی تلاش های ایران برای عبور کریدور انرژی از خاک ایران، طولانی شدن مدت زمان و کاهش نفوذ ایران و ارمنستان بهره برداری نماید. ولی در کنار این موارد باید از برخی تنگناها نام برد که خللی در منافع ملی ایجاد می کند: (۱) تنگناهای جمعیتی (۲) تراکم تهدیدها (۳) گسل فرهنگی-مذهبی (۴) تناسب نداشتن جمعیتی (۵) نقش ستونی استان های آذری (۶) تنگناهای جغرافیایی (Sid.ir، ۱۱۵-۱۰۹).

۱۰-۶- پتانسیل شکل یابی ملت

جمهوری آذربایجان در گذشته عضوی از واحد سیاسی شوروی و فاقد دولت مستقل بوده است. سازمان یابی یک دولت مستقل از دید جغرافیای سیاسی مستلزم وجود سرزمین و سکنه بومی است که از آن به ملت تعبیر می شود. ساخت اجتماعی و فرهنگی سکنه آذربایجان دارای عناصر تجانس آفرین در جهت سازمان یابی ملت است که می تواند به شکل یابی و تکامل هویت ملی کمک نماید، همان چیزی که در حال حاضر جامعه آذربایجان به دنبال آن است و در مرحله گذار به سوی هویت یابی قرار دارد. عناصر کلیدی و پایه در جهت شالوده ریزی هویت ملی آذربایجان عبارتند از:

۱) دین و مذهب که اسلام و شیعه می باشد. (۲) قومیت که ترک هستند. (۳) زبان که آذری است. (۴) احساس علاقه به مفاخر محلی و بومی و ملی نظیر شخصیت های علمی، شعرا، علما، تاریخ، قهرمانان و غیر آن. (۵) انسجام اجتماعی که به دلیل اختلاط محدود با سایر اقوام و نژادها از سویی

و نیز انزوای جغرافیایی و سیاسی به دلیل واقع شدن بین محیط های جغرافیایی جدا کننده پیرامون کما کان پا بر جا مانده است. (حافظ نیا، ۱۳۷۶، ص ۳).

۱۱- نتیجه گیری

جمهوری آذربایجان در چارچوب محیطی گرفتار آمده است که به دلایل سیاسی، بین المللی، اقتصادی و طبیعی از پیرامون مجزا شده است. این امر به نوعی بر تمرکز و تجمع ملی و تقویت روح ملیت در آن کمک می نماید. نگاهی به وضعیت جغرافیایی این کشور مبین این واقعیت است. عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان از قبیل: منابع انرژی (نفت و گاز)، تاثیر جمعیت (مذهب و قومیت)، موقعیت جغرافیایی، مرزهای این کشور نشان می دهد که منافع ملی آن در فرازو نشیب قرار دارد و هر کدان تاثیر به خصوصی بر سیاست داخلی و خارجی می گذارند. جمهوری آذربایجان بایستی از تمام ظرفیت موجود در جهت تامین منافع ملی خود به کار ببرد و سعی کند ارتباط خوبی را با همسایگان خود برقرار کند به دلیل اینکه این عوامل ژئوپلیتیکی در ارتباط تنگاتنگ با جغرافیای سیاسی کشورهای همسایه قرار دارد. هر چند این عوامل سبب برخی تنش ها و درگیری ها می شود ولی آذربایجان با موقعیت استراتژیکی که دارد می تواند نقش موثری در تعادل بخشیدن قدرت های منطقه ای داشته باشد. فروپاشی شوروی و حضور یکجانبه گرایانه ایالات متحده امریکا موجب تغییر علایق ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان شده است. در این میان اتحاد های استراتژیک سنتی بین کشورها و قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای جای خود را به اتحاد های استراتژیک جدید داده است. ارمنستان، آذربایجان و گرجستان، پس از آن که در نیم قرن گذشته اغلب در حاشیه بوده اند، اکنون به عوامل مهمی در حفظ منافع امنیت ملی ایالات متحده امریکا تبدیل می شوند.

منابع

- ۱) امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، «ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز، بازیگران دو وجهی»، همشهری دیپلمات، شماره سوم
- ۲) امیر احمدیان، بهرام، «جغرافیای جمهوری آذربایجان»، آموزش جغرافیا، سال شانزدهم، شماره ۵۹
- ۳) آذربایجان (کتاب سبز ۱۳۸۹)، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تابستان
- ۴) بازرگانی سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان، azipo.com
- ۵) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۶)، «در جمهوری آذربایجان چه می گذرد؟»، مجله حوزه پاسدار اسلام، آبان، شماره ۱۹۱
- ۶) واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان ها و بازیگران)»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تابستان
- ۷) ساجدی، امیر (۱۳۹۰)، « طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و اسرائیل»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم، پاییز
- ۸) صیدی، مظفر (۱۳۸۸)، «عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، بهار
- ۹) عزیزی، عباس، «کشور آذربایجان»، پایگاه اطلاع رسانی مبلغ، کتابخانه دیجیتال
- ۱۰) علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن (۱۳۶۶)، «فرهنگ علوم سیاسی»، جلد دوم، تهران: شرکت وی
- ۱۱) عزتی، عزت الله (۱۳۷۹)، «ژئوپلیتیک»، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲) قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۴)، «بحران قراباغ و بازی قدرت های خارجی در آن»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- ۱۳) کولایی، الهه (۱۳۸۹)، «سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی»، تهران: انتشارات سمت
- ۱۴) کریمی پور، یداله (۱۳۸۲)، «آذربایجان بزرگ، فرصت ها و تنگناها»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان
- ۱۵) گیتا شناسی، راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۶) واحدی، الیاس (۱۳۸۵)، «برآورد استراتژیک آذربایجان سیاسی-فرهنگی»، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، جلد اول
- ۱۷) میر حیدر، دره (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴. مشهد: زمستان .

- ۱۸) مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۹) مهری، عباس و فیروز کوهی، مهدی (۱۳۹۰)، «تاثیر ویژگی های جمهوری آذربایجان بر روابط با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال هفدهم، شماره ۶۳، زمستان
- ۲۰) قدسی، امیر (۱۳۹۱)، «عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر روابط آذربایجان و ج.ا.ایران»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال دهم، شماره ۱۱۰، تیر
- 21- Karabulut, Bilal; (2005). Strategy Jeostrateji Geopolitics Ankara: Plain
- 22- LHAN, SUAT. (2002). Avrasya Dosyas Geopolitics Ouzel Celt: 8. Say: 4 s. Kist21
- 23- The World Bank: Encarta atlas of world The World Bank 2000
- 24- National security concept of The Republic of Azerbaijan Approved by Instruction No.2198 of the president of the Republic of Azerbaijan on 23 may 2007

